یادداشت روز

انقلاب، توفنده ادامه دارد به‌رغم...

انقلاب اسلامی ایران در آستان چهل و ششمین سالگرد خود ایستاده است، هنوز غرب در مواجهه با این انقلاب و نظام برآمده از آن، از واژه «دشمن» استفاده می‌کند. هنوز رئیس‌جمهور آمریکا ـ دونالد ترامپ ـ پس از گذشت دوازده دوره انتخاب رئیس‌جمهور در آمریکا می‌گوید «ایران یک مشکل فوری و خطرناک است». هنوز پس از ۴۶ سال، رؤسای اتحادیه اروپا، ایران را یک «تهدید امنیتی نزدیک» می‌خوانند و رئیس سیاست خارجی این اتحادیه در دیدار با یک دیپلمات ارشد ایرانی می‌گوید «ما ـ اروپا و آمریکا ـ نمی‌توانیم سیاست خارجی شما را تحمل کنیم» و «روابط خارجی شما، کفه جنگ اوکراین را به ضرر ما سنگین کرده است.» این قلم در مقام ارزیابی این سخنان نیست اما واضح است که انقلاب ایران بعد از ۴۶ سال تغییری نکرده و ادامه پیدا کرده است. حالا شما ۴۶ سال پس از انقلاب‌های فرانسه و روسیه را با امروز انقلاب اسلامی مقایسه کنید تا معلوم شود ارزش این ایستادگی مردم و نظام برآمده از آنان بر مواضع خود چقدر است.

انقلاب فرانسه که از جهت سرایت به کشورهای دیگر و شروع دوره‌ای تازه در نظامات سیاسی، «انقلاب کبیر» خوانده شده، در سال ۱۷۸۹ میلادی ـ یعنی ۲۳۶ سال پیش و در سال‌های پایانی حکومت سلسله افشار به بر ایران ـ به پیروزی رسید، ببینید این انقلاب در سال ۱۸۳۵ در چه وضعیتی قرار گرفته است. خیلی از محققان آغاز روی کار آمدن «ناپلئون بناپارت» در سال ۱۸۰۴ را پایان انقلاب فرانسه دانسته و بعضی هم گفته‌اند پایان انقلاب فرانسه سال ۱۷۹۵ یا ۱۷۹۹ است. به هر حال معلوم است که به‌طور قطع انقلاب فرانسه در سال ۱۸۰۴ یعنی ۱۵ سال پس از پیروزی به پایان رسیده است. مشهور است که «دموکراسی» مهم‌ترین نتیجه کار انقلاب فرانسه بوده است اما «توکویل» اندیشمند هم‌عصر این انقلاب، معتقد است با وجود آن همه تلاش‌ها برای وقوع انقلاب، نتیجه کار، دموکراسی نبود. از این رو او می‌گوید «انقلاب فرانسه در همان سال ۱۷۸۹ که پدید آمد، به پایان رسید.» فرانسه در سال ۱۸۳۵ یک دوره ۱۶ ساله خونین فرمانروایی ناپلئون ـ ۱۲ دسامبر ۱۷۹۹ تا ۲۲ ژوئن ۱۸۱۵ ـ را پشت‌سر گذاشته است. محصول این ۱۶ سال به باد رفتن همه اهداف انقلاب ـ یعنی مقابله با دیکتاتوری نظام سیاسی در داخل و نفی تجاوز به کشورهای دیگر ـ بود. فرانسه پس از پایان دوره ناپلئون، رسماً به دوره سلطنت بازگشت. «لوئی هجدهم» تا زمان مرگش یعنی به مدت ده سال به‌عنوان پادشاه بر فرانسه حکومت کرد و پس از او «شارل دهم» تا زمان برکناری‌اش در سال ۱۸۳۰ پادشاه فرانسه بود و پس از او نیز «لوئی فیلیپ» به مدت ۱۸ سال بر فرانسه سلطنت کرد در حالی که شعار انقلاب، ایجاد جمهوری و دموکراسی بود، این وضع انقلاب فرانسه از حیث ماندگاری و وفاداری به آرمان‌هایش می‌باشد.

انقلاب اکتبر روسیه در سال ۱۹۱۷ به پیروزی رسید و با روی کار آمدن «جوزف استالین» در سال ۱۹۲۳ و زیر پا گذاشتن اصول انقلاب چپ‌گرای کارگری از سوی وی، به پایان رسید. استالین تا سال ۱۹۵۳ یعنی به‌مدت ۳۰ سال حکمروای مطلق کشوری بود که آن را کشور شوراها و شوروی می‌خواندند! در دوره او، میلیون‌ها کارگر به اردوگاه‌های کار اجباری گسیل شده و اکثر آن‌ها در حین کار جان خود را از دست دادند. پس لازم نیست بپرسیم انقلاب روسیه در سال ۱۹۶۳ یعنی ۴۶ سال بعد از پیروزی چه وضعی پیدا کرده است. در این زمان «نیکیتا خروشچف» اداره کشور برآمده از انقلاب اکتبر را در دست دارد و این در حالی بود که او توانایی جسمی و ذهنی لازم را برای اداره شوروی نداشت. انقلاب ضدامپریالیستی شوروی با مرگ اولین رهبر آن در سال ۱۹۲۳ به یک امپریالیسم تمام‌قد که استثمار در داخل و تهاجم به منابع ملت‌ها در خارج را دنبال می‌کرد، تبدیل گردید. از این‌رو پس از گذشت یک دوره خیلی کوتاه، بحث از انقلاب فرانسه و نیز بحث از انقلاب روسیه برای مردم جاذبه‌ای نداشت و عمدتاً در قالب مراسم رسمی انجام می‌شد و رژه نظامی، مهم‌ترین کاری بود که در سالگرد این انقلاب‌ها به نمایش درمی‌آمد.

انقلاب اسلامی از حیث وفاداری به آرمان‌های اولیه خود و برخورداری از حمایت گرم هواداران خود یک استثنا به حساب می‌آید. راهپیمایی‌های سراسری میلیونی که در سالگرد انقلاب، در روستاها، شهرها و پایتخت ایران برگزار می‌شود، در واقع هر ساله انقلاب اسلامی و اهداف و آرمان‌های آن را به روزرسانی می‌کند. این راهپیمایی‌ها می‌گوید به‌رغم پاره‌ای از نارسایی‌های آزاردهنده که عمدتاً توسط دستگاه‌های اجرائی پدید آمده، انقلاب موضوعیت خود را حفظ کرده است. این راهپیمایی‌ها، فلسفه تأسیس انقلاب و درستی اهداف آن را مورد تأکید قرار می‌دهد و این مانع ارتجاع ـ عقب‌گرد ـ و انحراف از مسیر می‌شود. این راهپیمایی‌ها اجازه نمی‌دهد مناسبات غلط داخلی ـ استبداد ـ و خارجی ـ وابستگی ـ به گونه‌ای در قالب جمهوری اسلامی بازتولید گردد. این خطاهایی که در انقلاب‌های فرانسه و روسیه اتفاق افتاد، محصول فقدان یک قوه نظارتی ملی بوده است. البته برخلاف انقلاب‌های یادشده که انحراف از رهبری آن‌ها شروع شده، در انقلاب ایران، رهبری همواره بر ادامه انقلاب و عدم رجعت و عدم انحراف از مبانی تأکید کرده است اما باید اذعان کرد که مهم‌تر از نقش مؤثر تحذیرات رهبران انقلاب، حضور مستقیم، پررنگ و میدانی مردم در دفاع از اصول و آرمان‌ها مؤثر بوده است.

موضوع قابل بحث دیگر در سالگرد پیروزی انقلاب این است که دشمن در عین آنکه از ایران به‌عنوان «دشمن نزدیک» و «دردسر مزمن» یاد می‌نماید، در عین حال ادعا می‌کند جمهوری اسلامی، ضعیف شده است و این در حالی است که دو ضرورت که پیدایی انقلاب اسلامی بر پایه‌های آن استوار بوده، موضوعیت خود را هم در داخل و نزد ملت ایران، هم در منطقه و هم در سطح بین‌المللی حفظ کرده‌اند. در داخل کشور هنوز نیاز داریم تا همه مراقبت کنند که دیکتاتوری‌هایی در قالب جمهوریت یا در قالب اسلامیت بروز و ظهور پیدا نکند. ما در همین ۲۵ سال اخیر دست‌کم دو بار در سال‌های ۱۳۷۸ و ۱۳۸۸ شاهد تلاش شدید عده‌ای برای بازگرداندن دیکتاتوری بودیم و اگر حضور گرم ملت در صحنه نبود، انقلاب ایران هم گرفتار دیکتاتورهایی مثل ناپلئون بناپارت و جوزف استالین می‌شد. از سوی دیگر هنوز تلاش عوامل داخلی برای بازگرداندن ایران به زیرسلطه مطلق غرب به‌شدت ادامه دارد. تک‌صداهای دهه ۱۳۷۰ ـ امثال «سعیدی سیرجانی» و «عطاءالله مهاجرانی» ـ امروز به یک جریان در کشور تبدیل شده است. امروز ضرورت نهیبی که حضرت امام در جریان پاسخ به نامه مرحوم «سید علی‌اکبر محتشمی‌پور» درخصوص سپرده شدن مناصب به اعضای نهضت آزادی زدند، موضوعیت جدی‌تری دارد. تلاش جبهه‌ای رنگین‌کمان برای الحاق دوباره ایران به پیمان‌های نظامی غربی و انحلال ایران در هاضمه سیاسی نظام مستکبر غرب به‌طور جدی دنبال می‌شود، بنابراین دفاع جدی و پرحجم توده‌های مردم از انقلاب خود، از این به بعد هم هنوز موضوعیت دارد بلکه موضوعیت مضاعف هم پیدا کرده است.

انقلاب اسلامی به‌دلیل آنکه انرژی متراکمی را وارد فضای «جمهوری اسلامی» کرد، توانایی ویژه‌ای برای حل سریع مشکلات به آن داد. در خیلی از موارد هم آثار این انرژی متراکم دیده می‌شود؛ مثلاً در حوزه بهداشت و درمان، انرژی متراکم انقلاب، ایران را به یک قطب درمانی بین‌المللی تبدیل کرده است؛ یا در حوزه مخابرات و الکترونیک، ایران یک قطب مهم مخابراتی در منطقه به حساب می‌آید. در حوزه علم و فن‌آوری هم ایران در جایگاه ممتازی ایستاده است. ایران در حوزه توان دفاعی هم به یک قدرت بلامعارض منطقه‌ای تبدیل شده است. اما این انقلاب برای رفع پاره‌ای مشکلات و از جمله مشکلات در حوزه معیشت عمومی، از سوی جریان و جبهه‌ای که روزی محدود به «نهضت آزادی» بود، تحت فشار شدید قرار داشته است. در طول این دوران، بعضی از افراد این طیف که به جایگاه‌های حساس کشور تکیه زدند، معیشت مردم را گروگان تغییر ریل انقلاب قرار دادند و به‌طور پیوسته فرصت‌های حل مشکلات را از بین بردند. این‌ها در حالی که مدعی بودند بدون هماهنگی با خارج نمی‌توان گرهی باز کرد، سال‌ها بر مناصب حساس جمهوری اسلامی تکیه زدند و حال آنکه دقیقاً می‌دانستند مسایل ایران و غرب به دلیل زیاده‌خواهی و بدعهدی غرب قابل حل نیست. بر این اساس می‌توان با صراحت و تأکید نوشت، مشکلات معیشتی توده‌ها که بعضی به دروغ به خود انقلاب مردم و اصول و مواضع آن نسبت می‌دهند ـ و انقلاب اسلامی از این حیث به مظلومیت مضاعف مبتلا گردیده است ـ محصول تفکر غلط و اهمال در انجام مسئولیت‌ها از سوی کسانی است که با حیله مناصب را در دست گرفتند، بدون آنکه کمترین اعتقادی به حل مسایل معیشتی و... مردم داشته باشند. اگر ما مردم را رکن «جمهوریت» بگیریم که بدون تردید چنین است، در واقع کسانی با زدن نعل وارونه و متهم کردن اصول انقلاب، تلاش کرده‌اند جمهور را منحل کنند و از طریق روش‌های استالینیستی و بناپارتی آب رفته را به جوی غرب بازگردانند. البته این شدنی نیست کما اینکه چنین تلاشی از زمان روی کار آمدن اولین دولت در بهمن ۵۷ و اولین رئیس‌جمهور در بهمن ۵۸ صورت گرفته و در حین این ۴۶ سال، کم یا زیاد استمرار پیدا کرده اما با رهبری حضرت امام ـ رحمه‌الله علیه ـ و رهبری حضرت امام خامنه‌ای ـ دامت برکاته ـ و حضور گرم میدانی مردم به صخره خورده است.

سعدالله زارعی

سخنگوی وزارت خارجه:

«چراغ سبزی» از آمریکا دریافت نکردیم

سخنگوی وزارت امور خارجه در پاسخ به سؤالی درباره خبر توقف حمایت مالی ده‌ها میلیون دلاری دولت بایدن به اپوزیسیون ایرانی توسط دولت جدید آمریکا که برخی آن را به عنوان چراغ سبزی از سوی آمریکا تلقی می‌کنند، اظهار داشت: حقیقتا ما چراغی مشاهده نکردیم.

اسماعیل بقایی، روز دوشنبه ۱۵ بهمن‌ماه در نشست هفتگی با خبرنگاران به تشریح آخرین تحولات در حوزه سیاست خارجی پرداخت. وی درباره سفر عراقچی به افغانستان گفت: این سفر در راستای تداوم مراودات و روابط دو کشور به عنوان دو ملت هم‌کیش و همزبان و همسایه با مرز مشترک صورت گرفت. یک ابتکار طبیعی در یک روند معقول سه چهار ساله است که رخ داد. این سفر یک اقدام طبیعی در روندی معقول و ادامه تعاملات دیپلماتیک بین دو کشور بوده است.بقایی به اشتراکات فراوان بین دو کشور اشاره کرد و افزود: تلاش داریم این اشتراکات و پیوندها مبنا و زمینه‌ای برای درک متقابل از منافع و نگرانی‌های دو طرف باشد.سخنگوی وزارت خارجه بیان کرد: درخصوص مهاجرت، حق‌آبه و امنیت مباحثی داریم که باید در چارچوب‌های دیپلماتیک مطرح و دو طرف به درک مشترکی درباره علائق و نگرانی‌ها برسند.

سفر عراقچی به کابل

بقایی گفت: این سفر در ادامه مسیری بود که از قبل شروع شده بود. مراودات با حکومت سرپرست افغانستان در سه سال و نیم وجود داشته و امیدواریم این سفر گام مهم در این فرآیند باشد هم از حیث رفع نگرانی‌ها و هم از جهت استفاده از ظرفیت‌ها و مبانی مشترک برای ارتقای روابط در حوزه‌های مختلف. بقایی افزود: این سفر صرفا سیاسی و دیپلماتیک نبود و گروهی از بازرگان و فعالان اقتصادی وزیر را همراهی می‌کردند. دیدارهای سازنده‌ای با وزیر صنعت و تجارت افغانستان و نشست‌های مفیدی با فعالان تجاری و اتاق بازرگانی افغانستان با حضور بخش خصوصی ایران برگزار شد.

وی گفت: در مورد موضوع آب، نگرانی‌های ایران صریحاً مطرح شد و مقامات افغانستان بر اهمیت این موضوع تأکید و اعلام کردند که حتی بدون وجود معاهده، شرعاً، اخلاقاً و از نظر انسانی خود را متعهد به تأمین حق‌آبه ایران می‌دانند. در زمینه امنیت مرزی نیز گفت‌وگوهای مشخص و مفیدی انجام شد.سخنگوی وزارت خارجه افزود: در مورد مهاجران افغان، بحث‌های خوبی مطرح شد. در این زمینه، تفاوت نظر یا اختلافی وجود ندارد که افرادی که بدون مجوز در ایران حضور دارند، باید در چارچوب سازوکارهای مشخص به وطن خود بازگردند. ایران نیز آمادگی خود را برای کمک به این روند اعلام و تلاش خواهد کرد که زیرساخت‌های لازم برای ایجاد اشتغال و توسعه در افغانستان فراهم شود تا مهاجران بتوانند در کشورشان نقش‌آفرین باشند. از جامعه بین‌المللی نیز انتظار می‌رود که به وظایف خود در این زمینه، به‌ویژه تعهدات کمیساریای عالی پناهندگان، عمل کند.

سفر نتانیاهو به واشنگتن

سخنگوی وزارت خارجه درباره سفر نتانیاهو به واشنگتن بیان کرد: ما سعی می‌کنیم بر موضوعات خود تمرکز کنیم ولی درباره بازتاب‌ها و آثار این رفت و آمدها درخصوص تحولات منطقه و فلسطین موضوعات را با دقت رصد خواهیم کرد. سخنگوی دستگاه دیپلماسی همچنین گفت: به نظر می‌رسد هر آن کس که از عقل سلیم برخوردار باشد، به اندازه کافی هوشمند خواهد بود که فریب فرد خناسی چون نتانیاهو را که سابقه طولانی در اقدامات جنایتکارانه، قانون‌شکنی و پیشبرد منافع خودش با هزینه دیگران دارد را نخورد.

بقایی افزود: ما در مورد کسی صحبت می‌کنیم که فریبکاری و شرارت با گوشت و پوست او عجین شده است. همان‌طور که همه می‌دانند او فردی است که مرتکب جنایات جنگی، نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت شده و به همین دلیل تحت تعقیب دیوان بین‌المللی کیفری قرار دارد.

وی افزود: او نه تنها غزه و فلسطین را به ویرانی کشانده، بلکه کل منطقه و جهان را با خطر و تهدید مواجه کرده است. جنایاتی که در غزه مرتکب شده، اکنون در کرانه باختری در حال تکرار است و این ادامه طرح نسل‌کشی است که از ۱۶ ماه پیش آغاز شده است.

وی گفت: اکنون او در قلمرو آمریکاست، کشوری که مقر سازمان ملل در آن قرار دارد و همان محلی که کنوانسیون پیشگیری و مجازات جنایات نسل‌کشی در آن تصویب شده است. این همان جایی است که کشورهای عضو دیوان بین‌المللی کیفری هر سال گرد هم می‌آیند و قطعنامه سالانه خود را برای پیشبرد رسالت این دیوان، یعنی مقابله با بی‌کیفرمانی شدیدترین جنایات بین‌المللی، تصویب می‌کنند.

سفر حکمت حاجی‌اف به تهران

سخنگوی وزارت خارجه درباره سفر حکمت حاجی‌اف دستیار رئیس‌جمهور آذربایجان گفت: سفر دستیار رئیس‌جمهور آذربایجان سفر دوجانبه است و بعد از سفر دبیر شورای عالی امنیت ملی این سفر در ادامه گفت‌وگوهایی است که بین ایران و جمهوری آذربایجان در جریان بوده است. دیدارهای خوبی با مقامات ارشد ایرانی داشت و در رابطه با تقویت روابط و رفع پاره‌ای مشکلاتی که به ویژه در فضای رسانه‌ای دو کشور وجود داشت، صحبت‌های خوبی صورت گرفت.

بقایی افزود: امیدواریم این سفر شروعی برای درک متقابل از نگرانی‌های مشترک و بهبود روابط در همه حوزه‌ها باشد.

خبرسازی شرورانه رژیم صهیونیستی

این دیپلمات ارشد ایرانی در پاسخ به سؤالی درباره خبر منتشر شده مبنی بر ارسال چمدان پول برای حزب‌الله از سوی ایران گفت: فضاسازی و خبرسازی شرورانه رژیم صهیونیستی برای جلوگیری از بازسازی لبنان.

تعیین سفرا در چین و روسیه

سخنگوی وزارت امور خارجه درباره طرح اسامی مطرح شده در رسانه‌ها برای تصدی سفارتخانه‌های ایران در چین و روسیه گفت: اجازه دهید درباره شایعات اظهارنظر نکنم. روند تعیین سفرا مشخص است و به محض قطعی‌شدن اعلام می‌کنیم.

بقایی اضافه کرد: در مورد سفرای ایران در لندن و برلین اطلاع‌رسانی کردیم.

این دیپلمات ارشد ایرانی گفت که موسوی مدیرکل حقوقی وزارت خارجه عهده‌دار سفارت ایران در لندن می‌شود.

ناپدید شدن سه تبعه هندی

سخنگوی دستگاه دیپلماسی در پاسخ به سؤالی درباره ناپدید شدن سه تبعه هندی در ایران بیان کرد: وزارت خارجه هند این موضوع را به ما منعکس کرده با سفارت هند و در دهلی‌نو با وزارت خارجه هند در ارتباط هستیم و موضوع را در دست بررسی داریم.

رئیس پارلمان عراق در تهران

این دیپلمات ارشد ایرانی در پاسخ به سؤالی درباره سفر رئیس پارلمان عراق به تهران اظهار داشت: رئیس پارلمان عراق در تهران حضور دارد و این سفر در چارچوب دیپلماسی پارلمانی است و ملاقات‌هایی با رئیس‌مجلس و رئیس‌جمهور و رئیس قوه قضائیه خواهد داشت.

بقایی ادامه داد: این سفر در چارچوب روابط خوب بین ایران و عراق و مشورت و رایزنی درباره موضوعات دوجانبه و آخرین تحولات منطقه صورت گرفته است.

میانجیگری بین ایران و سوریه

وی درباره میانجیگری عراق و قطر بین ایران و سوریه گفت: برقراری روابط تابع مجموعه ملاحظاتی و نیازمند مجموعه‌ای از پیش زمینه‌هاست که با رصد تحولات درباره آن تصمیم می‌گیریم. اینکه کشورهای دوست ما پیغام‌هایی را رد و بدل کنند بین ما و سوریه امر غیرمتداولی نیست و ما از همه ظرفیت‌ها برای اینکه تصمیم در این خصوص سنجیده باشد، استفاده خواهیم کرد.

سخنگوی وزارت خارجه درباره حضور نیروهای آمریکایی در عراق گفت:ما حضور نیروهای نظامی بیگانه در منطقه را به هیچ عنوان در جهت ثبات و امنیت کشورهای منطقه نمی‌دانیم و موضع ما ثابت است.

بقیه در صفحه ۱۱

خبر ویژه

نسبت سیب زمینی و دموکراسی در تحلیل کانال حزب اصلاح‌طلب

رسانه وابسته به حزب اصلاح‌طلب «اتحاد ملت» با اشاره به ماجرای جهش قیمت سیب زمینی نتیجه گرفت که دموکراسی و دولت مهم است.

کانال امتداد در نوشته‌ای با عنوان «سیب زمینی و دموکراسی» آورده است: «تقریبا بعد از آبان ۹۸ برخی معتقد بودند از آنجاکه دولت کاره‌ای نیست، بهتر این است که در انتخابات مشارکت نکنیم. اما یک مثال ساده قدرت دولت، این روزها بحث سیب زمینی و قیمت آن است. دولت در هر کشوری به مانند پدری است که تشخیص می‌دهد با توجه به پولی که دارد (در این‌جا ارز) از مغازه (بیرون از کشور) کدام جنس را بخرد (وارد کند).

حداقل باید قبول کنیم که این دولت‌ها هستند که تصمیم می‌گیرند مقدار محدود ارز را به واردات آیفون اختصاص دهند، یا سیب زمینی. حتی بالاتر از آن به واردات برنج اختصاص دهند یا سیب زمینی. این بحث را می‌توان حتی دامنه‌دار و عمیق‌تر کرد. دولت است که باید تصیم بگیرد چگونه مراقبت کند از اینکه مبادا همه کشاورزان به خاطر افزایش قیمت سیب زمینی همه سطح زیر کشت خود را به این محصول اختصاص دهند و مشکل کمبود در بخش دیگر از جمله پیاز ایجاد شود.

این درست است که همواره در ایران مسئله «آزادی» حتی بر «نان» برای مردم ارجحیت داشته است. این درست است که مردم ایران نشان دادند که به آزادی حتی بیشتر از نان اهمیت می‌دهند، اما با این حال نباید فراموش کنیم که این دولت است که با تصمیمات زیرمجموعه خود مشخص می‌کند زندگی مردم چگونه باید اداره شود.

اینجا حتی نمی‌توان کلیت دولت را هم مدنظر قرار دارد. چه‌بسا حتی یک بخش کوچک از دولت در حد یک معاونت در یک وزارتخانه است که می‌تواند زندگی تک‌تک ما را تحت‌الشعاع قرار دهد. به عنوان مثال حتی یک بخش از دولت است که تصمیم می‌گیرد به فلان دارو بیمه تعلق بگیرد و یا تعلق بیمه به آن دارو را قطع کند. در این‌جا ما با دو انتخاب روبه‌رو هستیم. یک انتخاب این است که هیچ کدام از اینها تا زمانی که آزادی و دموکراسی برقرار شود اهمیتی ندارد. پس در نتیجه هرکاری که اولویت را از دموکراسی بر روی سیب زمینی تغییر دهد، خیانت کرده است. انتخاب دوم این است که دموکراسی و آزادی را مهم بدانیم در عین حال تصمیم بگیریم در همین شرایط موجود هم کمی بهتر زندگی کنیم. از این رو اصل وجود دولت و تصمیمات آن بر زندگی تک‌تک مردم تاثیرگذار است و نباید نادیده انگاشته شود.».

تحلیل کانال حزب اتحاد ملت البته به مورد مهم‌تر اشاره نمی‌کند و آن اینکه درس ماجرای جهش عجیب قیمت سیب زمینی، اهمیت انتخاب درست و سپردن کار به افراد کاردان است؛ تا کار به جایی نرسد که دولت به جایی نرسد که برای اولین بار در اثر سوءتدبیر خود مجبور به اختصاص منابع ارزی برای واردات سیب زمینی و کاهش قیمت شود.

این سوءمدیریت چنان فاحش است که دکتر فرشاد مؤمنی کارشناس حامی دولت، زبان به اعتراض گشوده و گفت: «چرا هیئت وزیران آقای پزشکیان باید یک مصوبه بگذارد و ببینید این مصوبه چقدر تهی از اندیشه، تهی از آرمان و تهی از سازمان مناسب برای اعتلابخشی به ایران است که با دست‌پاچگی می‌گویند سازمان‌های بیمه‌ای کشور، دارایی‌های سرمایه‌ای خود را بفروشند. بدون اینکه هیچ کدام از تمهیداتی که حداقل فقط جلو گیرنده فساد باشد درنظر گرفته شده باشد و البته اینکه چه نسبتی با عدالت و توسعه برقرار می‌کند، پیشکش!»

وی با انتقاد از اظهارات اخیر وزیر اقتصاد گفت: غم‌انگیز است که یک مدیرکلیدی اقتصادی، بگوید تورم به من ربط ندارد اما وقتی موضوع آزادسازی واردات خودروی لوکس می‌شود، از رقبای خود سبقت می‌گیرد که بگوید من بیشتر در این زمینه نقش‌آفرینی کردم. یعنی ما این قدر معیارها را از دست داده‌ایم! ببینید عزیزان چقدر از نظر کیفیت پشتیبانی کارشناسی و بنیه یادگیری از تجربیات سقوط کرده‌اند که از یکسو با عنوان صادرات سیب زمینی، غارت سفره فقرا اتفاق می‌افتد و چون جهش نرخ ارز داشتیم، به قیمت به غارت بردن سفره‌های مردم، جیب‌های کوچکی، هیولایی‌تر بزرگ می‌شوند و این قدر این کار جنون‌آمیز انجام می‌شود که به فاصله کوتاهی، همان‌ها که آن میزان جنون‌آمیز و مشکوک، اسم رهاسازی را صادرات گذاشته بودند، اکنون به واردات افتاده‌اند.

استاد دانشگاه علامه خاطرنشان کرد: اینکه شما متوجه نشوید که این کار چقدر قبیح است که کشوری که چندین برابر نیاز مصرفی‌اش قابلیت تولید سیب زمینی دارد، به خاطر بحران‌سازی‌های ناشی از شوک درمانی، مهم‌ترین ذخایر استراتژیک ارزی‌تان را باید صرف واردات سیب زمینی کنید که همزمان هم کمر تولیدکننده‌هایتان را شکستید و هم دولت را دچار اضطرار کردید و هم زمینه‌های شغلی را از شاغلان بخش کشاورزی و صنایع مربوطه دریغ کردید. صد نمونه دیگر هم می‌توان این‌گونه ذکر کرد... مطالعه‌ای که انجام شده، نشان می‌دهد در همین شوک ارزی که از حدود کمتر از ۶۰ هزارتومان دلار را به بالای ۸۰ هزار تومان رساندند، شوک تقاضای ۸۰۰ هزار میلیارد تومانی برای سرمایه در گردش برای تولیدکننده‌ها اضافه‌تر شده است. یعنی اینها با این کار، بی‌سابقه‌ترین رونق‌ها را برای رباخوارها ایجاد کردند. مگر می‌شود شما شعار عدالت دهید!؟

تواضع بیخودی نکنید! حلقه انحرافی، دنباله‌رو شما هستند

محکوم پرونده فروش اطلاعات به بیگانگان مدعی فعالیت «فرقه انحرافی دوم» شد.

«عباس- ع» در روزنامه هم‌میهن نوشت: «هرچه می‌گذرد، بیشتر متوجه می‌شویم که شعار وفاق و تعیین محدوده برای آن چقدر مهم است و اتفاقاً تندروها که همان بقایای فرقه انحرافی اول هستند، چرا بیش از هر چیزی با این شعار مخالف هستند و می‌کوشند که آن را زمین‌گیر سازند.

سیاست فرقه‌های سیاسی مبتنی بر خواب و اوهام است. تندروها خواب‌های زیادی برای کشور دیده‌اند. به‌شدت میان‌شان شایع بود که خواب و رویای صادقه‌ای دیده‌اند که دولت پیش از ۱۲بهمن تاب تحمل ندارد و به سود تندروها جاخالی خواهد داد. این خواب را مراد مطمئنی دیده و از اسرار غیب بود که البته تعبیر نشد و نخواهد شد.

آنان چنان در پریشانی فکر غرق هستند که حتی در فضای مجازی پا را از گلیم خود فراتر گذاشته‌اند و نسبت به افراد بالاتر هم تندخویی و جسارت می‌کنند و دیر یا زود به‌مثابه یک فرقه، باطن خطرناک خود را آشکار خواهند کرد.

جای تأسف است که گفته شود مشابه همین هشدارها و انذارها درباره «فرقه انحرافی اول» داده شد؛ ولی گوش شنوا و چشم بینایی نبود تا نشانه‌های آشکار این انحراف را ببیند و فقط هنگامی بیدار شدند که کار از کار گذشته بود و بحران بزرگی را در کشور ایجاد کردند و به کناری خزیدند و منتظر فرصت مانده‌اند تا زمانی دیگر از آب گل‌آلود سیاست ایران ماهی قدرت بگیرند.

تا این‌جا خیلی مسئله‌ای نیست. مشکل در همراهی نسبی بخشی از نهادهای رسمی با این جریان است. همان اتفاقی که با جریان یا «فرقه انحرافی اول» هم رخ داد و بعداً از آن پشیمان شدند. سیاست وفاق آقای پزشکیان باید بتواند این بخش از اصولگرایان را که یک بار در دام فرقه انحرافی افتادند، از افتادن در دامن «فرقه انحرافی دوم» باز دارد و صفوف آنان را از یکدیگر جدا کند و اجازه ندهد که برخی از نهادهای رسمی آگاهانه یا ناآگاهانه بلندگوی این فرقه شوند... راهی جز اتحاد و همبستگی ملی علیه تندروهای انحرافی وجود ندارد. ایران فرصت زیادی ندارد. دنیا در حال تغییرات عمیق و اساسی است. باید هرچه زودتر تصمیم گرفت. نمی‌توان ماجرا را به آینده موهوم، موکول کرد. جهان و دیگران به انتظار ما نخواهند نشست.

امیدواریم که آقای رئیس‌جمهور گامی جدی‌تر بردارد و محدوده وفاق را به کسانی گسترش ندهد که هویتی ضد وفاق دارند. این کار آب درهاون کوبیدن است. وفاق را با اکثریت کنشگران سیاسی و مردم پیش ببرید و خود و منافع مردم را معطل این فرقه نکنید».

درباره این نوشته گفتنی است که اولاً فرقه انحرافی را باید تعریف کرد، انحراف از چه چیز؟ با معیار ارزش‌های اسلامی و قانون اساسی و مکتب امام و رهبری است که می‌توان مسیر درست را از انحراف تشخیص داد و به این معنا، برخی منافقین سابقاً مدعی خط امام و اکنون طرفدار استحاله در نظام، همان قدر منحرفند که برخی دست‌اندرکاران حلقه انحرافی. بلکه حتی می‌توان گفت دست‌اندرکاران حلقه انحرافی از این منافقین قدیمی‌تر تقلید کرده و در معارضه جویی و تردیدافکنی و شبه‌افکنی کنار همین منافقین مدعی اصلاح‌طلبی ایستادند. مواضع این منافقین یا آن حلقه انحرافی، در زمینه قانون‌شکنی و یاغی‌گری، عبور از احکام اسلامی و قرائت‌های بدعت آلود از آن، اختلاف‌افکنی در میان ملت و روزنه‌گشایی برای دشمنان خارجی عیناً مثل هم است و هر دو از یک سرچشمه آلوده تغذیه می‌کنند.

گفت و شنود

زیر پالتو!

گفت: یکی از مدعیان اصلاحات توصیه کرده است برای مذاکره با آمریکا به نظر تندروها توجهی نکنید(!) برای مذاکره بین همه قوا هماهنگی وجود دارد(!)

گفتم: همین دو روز پیش بود که بلندپایه‌ترین مقام نظام، «آمریکا را متجاوز و دروغگو» معرفی کردند و شعار «مرگ بر آمریکا» را برخاسته از شعور و جرأت مردم ایران دانستند.

گفت: این مدعی اصلاحات قبل از این که مذاکره‌ای در میان باشد، به زبان رسمی و گویش دیپلماتیک آمریکایی‌ها حرف زده است!

گفتم: چرا پرت و پلا می‌گویی؟! زبان آمریکایی‌ها انگلیسی است ولی این مدعی اصلاحات به زبان فارسی مصاحبه کرده است!

گفت: ای عوام! «تندروها» واژه‌ای است که آمریکا برای تحریف هویت واقعی پیروان راستین و جان‌برکف اسلام و انقلاب جعل کرده است و منظورش از «میانه‌روها» نیز جریانات واداده و پادوهای داخلی آمریکاست. فقط با یک جست‌وجوی ساده خواهی دید که آمریکا و اسرائیل نیروهای انقلاب و حتی حضرت امام و رهبر انقلاب را «تندرو»! و لیبرال‌ها و غربگراها و پادوهای خود در ایران را «میانه‌رو»! معرفی می‌کنند!

گفتم: شخصی از لپه بدش می‌آمد. در یک میهمانی برایش دلمه بادمجان آوردند. پوست بادمجان را که کنار زد و چشمش به لپه افتاد، گفت؛ فلان فلان شده! فکر کرده اگر پالتو تنش کنه نمی‌شناسمش!

نکته

تاریخ تولد سپاه

۱- دیروز برادر سلامی، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی طی سخنانی در نوزدهمین جشنواره مالک اشتر گفت: «سپاه پاسداران به عنوان معجزه ذهنی امام که الهام‌گرفته از تجربیات تلخ دوران صدر اسلام بود متولد شد البته سپاه در عاشورای ۶۱ هجری به دنیا آمد. آن زمان که قمر منیر بنی‌هاشم برای رفع تشنگی کودکان حرم، خود را به شریعه رساند آب روی آب ریخت و دستانش را از دست داد و پیکرش بر زمین افتاد آن زمان سپاه شکل گرفت. آن‌زمانی که علی‌اکبر امام حسین(ع) با قامت برافراشته به میدان می‌رفت و وجود نازنین این جوان برای دفاع از اسلام و حریم اهل بیت تقدیم محضر خداوند متعال شد، سپاه شکل گرفت. آن‌زمانی که مجاهدان در ظهر عاشورا ایستادند سینه‌های خود را در مقابل تیرهای دشمن به هنگام نماز آماج نمودند سپاه تشکیل شد». سخنان سرلشکر سلامی نگارنده را به یاد بخشی از یک یادداشت کیهان انداخت که چند سال قبل در حال و هوای عاشورای حسینی(ع) نوشته شده بود. این روزها همزمان با سالروز میلاد عاشورائیان و در ادامه سخن دلنشین برادر سلامی عزیز، بازخوانی آن بخش از یادداشت کیهان را بی‌مناسبت ندیدیم. بخوانید!

**۲- بعد از ظهر آن روز غمزده -عصر عاشورا- ساعتی قبل از آن که مولای مظلوم ما در راه خدا «سر» بدهد، ندای «هل من ناصر» سر داده بود و شیطان انگشت حیرت به دندان گزیده بود که فرزند رسول‌خدا(ص) را چه می‌شود؟ چه کسی را به یاری می‌طلبد؟ در این‌سو که یارانش همه به خون غلتیده‌اند و در آن سوی، دشمنانش با شمشیرهای آخته به ریختن خونش ایستاده‌اند!... پس حسین روی سخن با که دارد؟ و در این صحرای داغ و تب‌دار، کدام لبیک را انتظار می‌کشد؟ شیطان دیده بود که در صحرای «منا» ماجرای ذبح اسماعیل با «فدیناه بذبح عظیم» خاتمه یافته بود، این‌جا اما، اسماعیل‌ها به خون غلتیده‌اند و از «ذبح عظیم» خبری نبوده است. این‌جا، در کربلا، سخن از «ان‌الله شاء أن یراک قتیلا» در میان است. شیطان گیج شده بود، ساعتی بیشتر از حیات این جهانی حسین باقی نمانده است ولی او همچنان ندای «هل من ناصر ینصرنی» بر لب دارد! فرزند زهرا با که سخن می‌گوید؟ و کدام جماعت را به یاری می